

حقوق زنان (بخش ۳) در سوره نور و ...

۱- حمایت از آبروی زنان در برابر اتهامات ناموسی

نور ۴ و ۵- وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شَهَادَةٍ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا ۗ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

کسانی که زنان پاکدامن را متهم می‌کنند و (طبق دستور شرع) چهار شاهد نمی‌آورند، به هشتاد تازیانه کیفر دهید و هرگز گواهی آنان را (در هیچ امری و برای همیشه) نپذیرید؛ اینها همان از قانون (شرع) خارج شدگانند. مگر آنکه بعد از اینکار توبه و (رفتارشان را) اصلاح کنند که (در اینصورت) خدا آمرزگار و مهربان است.

چنان مفاسدی اخلاقی معمولاً در پنهان و پستو و دور از چشم دیگران انجام می‌شود، مگر آنکه در گذر عمومی و پارک شهر! صورت گرفته باشد تا حداقل چهار شاهد عادل نظاره کرده باشند! و چنین امری هم حداقل در جوامع اسلامی نزدیک به محال است. آیا همین که اگر سه نفر شاهد هم باشند، مجاز به بازگو کردن نیستند، وگرنه هر کدام ۸۰ ضربه تازیانه خورده و برای ابد شهادتشان مردود می‌گردد، دفاعی از آبرو و حیثیت زنان که اساس خانواده هستند محسوب نمی‌گردد؟

۲- تساوی اعتبار سخن مرد و زن در این امور

نور ۸ و ۹- وَيَذُرُّ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ . وَالْخَامِسَةَ أَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ

کسانی که همسران خود را متهم می‌کنند و گواهان (دیگری) جز خود ندارند، باید چهار بار به خدا سوگند یاد کنند که راست می‌گویند و بار پنجم (بگویند) نفرین خدا بر من باد اگر دروغ گفته باشم. مجازات را از آن زن بر طرف می‌کند اگر او هم چهار بار سوگند یاد کند شوهرش دروغ می‌گوید و بار پنجم (بگوید) خشم خدا بر من باد اگر او راست گفته باشد.

در نظر بگیرید مردی همسر خود را در حین ارتکاب چنین فحشانی مشاهده کند! صحنه‌ای که تصورش هم قابل تحمل نیست و کمتر کسی است از اخبار جنائی مربوط به این حوادث و بعضاً خودکشی‌های متعاقب آن بی‌خبر باشد. آیا همین بسنده کردن به سوگندهای پنج‌گانه که قابل انکار و ابطال از ناحیه زن می‌باشد و بن بست کردن هر عکس‌العمل خشن و خونین، حمایت از حقوق زن و مهار مردسالاری (در شرايطی که جرم قابل اثبات نیست) نمی‌باشد؟

۳- اساس بر خوش بینی و انکار شایعات است، مگر خلافش ثابت شود

نور ۱۲ و ۱۳- لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُبِينٌ . لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شَهَادَةٍ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ

چرا مردان و زنان مؤمن، آنگاه که آن بُهتان را شنیدند، نسبت به یکدیگر خوش‌بینی نشان ندادند و نگفتند این دروغ آشکاری است؟ چرا چهار شاهد بر ادعای خود نیاوردند؟ حال که شاهد نیاورده‌اند از نظر خدا دروغ پردازند.

معمولاً چنان سوءظن‌هایی با آنکه به قول بودا: "کف زدن با هر دو دست انجام می‌شود!" به زن‌ها تعلق می‌گیرد، و روشن است که توصیه به حسن ظن و خوش بینی و انکار شایعات ناموسی، جز دفاع از بانوان نمی‌باشد.

۴- بی اعتباری اخبار افواهی (می‌گویندها) و مسئولیت خدائی در نقل آنها

نور ۱۵ تا ۱۷- إِذْ تَلَقَوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ يَا أَهْلَكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّبًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ . وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ . يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

آنگاه که آن (شایعه) را دهان به دهان دریافت کردید و ناآگاهانه، بدون آنکه علمی به صحت آن داشته باشید، بازگویش کردید. اینکار به حساب شما ساده می‌رسد، درحالی که نزد خدا بس بزرگ است. چرا به محض شنیدن این خبر نگفتید: ما حق بازگو کردن آنرا نداریم، سبحان الله! این بُهتانی بزرگ است. خدا شما را هشدار می‌دهد که اگر اهل ایمان هستید بار دیگر مرتکب چنین کاری نشوید.

۵- تهدید شدید کسانی که شایعه پراکنی ناموسی می‌کنند

نور ۱۹- إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

کسانی که دوست دارند در میان اهل ایمان شایعات زشت پراکنده شود، عذابی دردناک در دنیا و آخرت (در انتظار) دارند؛ (حکمت آنرا) خدا می‌داند و شما نمی‌دانید

۶- حمایت از کنیزان (اسیران جنگی) در تحمیل روسپیگری

نور ۳۳ - ...وَلَا تُكْرَهُوا قَنَائِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتِغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْنَهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ

...و زنان اسیری را که در اختیار شما هستند، اگر قصد پاکدامنی دارند، بر روسپیگری وادار نکنید تا به منافی مادی دست یابید. هر که آنان را به اینکار مجبور کند، خداوند پس از چنین اجباری آمرزگاری است مهربان.

حمایت از کسانی که هیچ حامی جز خدا ندارند و در چنگال گرگانی گرسنه گرفتارند، شرط عدالت ورزی است وگرنه حساسیت نسبت به خودی و دفاع از او که نیازی به تقوا ندارد! تاریخ بشر شاهد تجاوزات فراوانی به نوامیس شکست خوردگان بوده که نمونه و ننگ اخیرش هزاران تجاوزی بود که دامن صرب‌ها را در اشغال سرزمین‌های اسلامی در بوسنیا گرفت.

۷- مالکیت قائل شدن برای زن

به رسمیت شناختن حق مالکیت زن و برخورداری او از سهم‌الارث در دنیای غرب، تماماً محصول مدرنیته و تحولات سیاسی اجتماعی آن دیار در قرن بیستم است. اما چنین حقی چهارده قرن قبل در یکی از عقب افتاده‌ترین مناطق زمین که بیش از همه به زنان اجحاف می‌کردند، و حتی خود زن و اموالش را نیز به ارث می‌بردند، مطرح شده است. آنهم با شرح و تفصیل دقیق نسبت به هر آنچه از درگذشتگان می‌رسد:

نساء ۷- لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرًا نَصِيبًا مَفْرُوضًا

برای مردان نصیبی است از آنچه والدین و نزدیکان باقی می‌گذارند و برای زنان نیز نصیبی است از آنچه والدین و نزدیکان باقی می‌گذارند، بهره‌ای معین. خواه کم باشد، خواه زیاد!

درست است که در موارد معینی سهم ارث دختران نصف سهم پسران است، اما این تقسیم بندی در روزگاری که زنان هیچ وظیفه‌ای در اداره مالی زندگی نداشتند و مهریه نیز دریافت می‌کردند، تابع نظام اقتصادی موجود بوده است، نه فرو کاستن از ارزش ذاتی زن. کما آنکه اگر شخص متوفی فرزند داشته باشد، سهم پدر و مادر (زن و مرد) مساوی خواهد بود.

۸- ابطال طلاق لفظی و تهدید مردان به تکرار آن

در دوران جاهلیت وقتی مردی از همسرش به شدت عصبانی می‌شد، با گفتن جمله‌ای که او را از نظر نسبی به مادرش مربوط می‌کرد! همسر خود را در معرض جدائی همیشگی قرار می‌داد. قرآن در چند آیه این رسم جاهلانه را ابطال کرده و مردانی را که چنین سخنی را تکرار کنند شدیداً تهدید کرده است: باید برده‌ای آزاد کنند، اگر نیافتند، دو ماه پی در پی روزه بگیرند، اگر نتوانستند ۶۰ گرسنه را سیر کنند! تا بعد از این مراقب زبانشان باشند:

مجادله ۲ تا ۴- الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ . وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ تُوَعُّظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ . فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِاطِعَامُ سِتِّينَ مَسْكِينًا ذَلِكَ لِيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَبِالْحُدُودِ الَّتِي بَدَّلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ آلِيمٍ

۹- حجاب برای حفاظت زن در روزگار نا امنی

احزاب ۵۹ - يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجَكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا. إِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لِنُفْرَتِكَ بِهِمْ تَمَّ لَمْ يَجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا

ای پیامبر، به همسران و دختران خود و زنان مؤمنان بگو: روسری‌های خویش را بر خود فرو پوشند تا به متانت و وقار شناخته شوند و مورد آزار (هرزگان) قرار نگیرند؛ و (در کوتاهی‌های گذشته) خداوند آمرزگار مهربان است. اگر این دورویان و بیماردلان (مزاحمان نوامیس مردم) و شایعه‌سازان در شهر، دست بر ندارند، تو را بر دفع آنان بر می‌انگیزیم، آنگاه جز مدت کوتاهی در همسایگی تو نپایند (از شهر اخراج خواهند شد).

همان طور که ملاحظه می‌کنید، بر خلاف رویه معمول در جمهوری اسلامی، نه تنها در قرآن هیچ کیفری دنیائی در باره بی‌حجابی نیامده و بی‌حجابان تهدید نشده‌اند، بلکه تنها تهدیدی هم که در قرآن موجود است، علیه مردن لایبالی و مزاحمین بانوان است.

۱۰- مهریه حقی ثابت برای زنان

مهریه از حقوق مسلم بانوان است که هنگام ازدواج از طرف مرد باید پرداخت گردد، چه مسلمان باشد، چه اهل کتاب و یا کنیز (در روزگار گذشته). توصیه مؤکد قرآن به پرداخت مهریه در حدی است که به نظر می‌رسد جزء لاینفک عقد بوده و بدون آن، مگر با رضایت زن، ازدواج باطل است.

از ۶ موردی که موضوع مهریه با عناوین: "صَدَقَاتُ" و "أُجُورُ" در قرآن آمده است^(۱)، در ۲ مورد حلالیت عقد را با جمله: "... إِذَا اتَّيْمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ" (هرگاه مهریه آنان را پرداختید)، مشروط به پرداخت مهریه کرده است^(۲)، یکبار آنرا واجب شمرده^(۳): فَأَتَوْهُنَّ أُجُورَهُنَّ قَرِيضَةً (مهریه آنان را به عنوان قریضه‌ای بپردازید) و یکبار نیز مقدار آن را متناسب با عرف جامعه تعیین کرده است^(۴): "... وَأَتَوْهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ". آنچه از نظر قرآن مهم است، پرداخت مهریه با میل و رغبت و شوق و شیرینی (همچون عسل) است. نگاه کنید به تمثیل قرآنی زیر:

نساء ۴- وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نَحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا

مهریه‌های زنان را همچون نحل (زنبوری که شهد گل را به عسل تبدیل و به رایگان تقدیم می‌کند) بپردازید. اما اگر خودشان با رضایت خاطر از بخشی از آن صرفنظر کردند، گوارا و نوش جانتان باشد!

۱- نساء ۴، ۲۴، ۲۵، مائده ۵، احزاب ۵۰، ممتحنه ۱۰

۲- مائده ۵ و ممتحنه ۱۰

۳- نساء ۲۴

۴- نساء ۲۵